



۲۰۱۸/۰۳/۱۹

م، نعیم بارز

## قتل فجیع فرخنده،

### نقطه عطفی در تاریخ جنایت علیه زن!

بریدن بینی و لب و گوش زن افغان را دیده بودیم، قصه شکنجه و بیرون آوردن ناخن های سحر گل و نگهداشتن آن روزها و ماه ها در بیت الخلاء که به مکروب های خطرناکی مبتلا شده بود از طریق تلویزیون ها دیده بودیم، حتی خبر بریدن شرمگاه زنی را چندی قبل که از سوی شوهرش در هرات صورت گرفته بود شنیده بودیم. و هزاران جنایت هولناک دیگری چون سنگسار و کشتن با تفنگ و چاقو و مشت و لگد در حق زن افغان را مردم افغانستان و جهان دیده و شنیده اند.



اما خشونتتی را که به روز ۲۰۱۵ / ۳ / ۱۹ عده ای از جناوران آدم نما در جوار مسجد شاه دو شمشیره شهر کابل در حق دختر جوان مسلمانی سرا پا پوشیده با لباس سیاه اسلامی مکتبی به نام فرخنده، روا داشتند، فکر می کنم تا کنون تاریخ بشر به این شکل و شیوه، جنایتی را به خود ندیده باشد، که کسی و کسانی دختر جوانی را به بهانه سوزاندن یک تعویذ، زیر ضرب چوب و لگد قرار داده، جسد نیمه جاننش را از سطح بلندی زیارت به سرک پرتاب کرده، باز هم با ضرب و شت به جاننش افتیده و در حالیکه پولیس در کنارش ایستاده مردم یکی پی دیگر لگد بارانش کنند و با آن همه فغان و ناله که برای خدا مرا نزنید من مسلمانم، مرا بی عفت نکنید اما یکی هم به شمول پولیس نگفت بس کنید نزنید جالبتر اینکه دریوری با موترش در آنجا رسید و همینکه شنید این زن قران را سوزانده، موترش را بالای جسد فرخنده چرخاند و به زعم خود دلش را بیخ کرده و داخل صواب شده راه خود را گرفته پی کارش رفت.

با این حال مردم آنجا که لحظه به لحظه زیاد شده می رفتند به آنهم اکتفاء نکرده، گوشت و استخوان کوفته شده او را گرفته در قسمت خشکی دریا پرتاب کرده و با ریختن تیل و پارچه های آلوده به تیل آنچه از فرخنده باقی مانده بود آتشی را بالای آن شعله ور ساختند و مردم چون تماشای داخل یک صالون تیاتر با علاقمندی خاصی به آن صحنه و نمایشی از شهکار تراژیدی خود چشم دوخته بودند.

جالب تر اینکه نیرو های به اصطلاح حافظ نظم و امنیت عامه (پولیس) مسلح حاضر در آنجا نیز نظاره گر شعله های آتشی بودند که در میان آن جسد دختر جوان تا آخرین ذرات گوشت و استخوان می سوخت.

### چرا چنین است؟ آیا طبیعتاً انسان موجود خشن و درنده خو و تغییر ناپذیر است؟

تجارب تاریخی و تحقیقات علمی روشن ساخته است که انسان از مادر نیک زاده می شود ولی به صورت عموم شرایط خانوادگی و اجتماعی است که انسان را در مسیر خوبی و بدی می کشد. یا به عبارته دیگر انسان خاصیت نیکی و زشتی را در خود دارد، اگر در وضعیت خوبی قرار گیرد به فرشته نیک گفتار و نیک کردار مبدل می شود و اگر در وضعیتی واقع شود که پرورش و تربیت بد و زشت به خود بگیرد، می تواند با همه اوصاف عقلانی بودن و به اصطلاح اشرف مخلوقات بودن به حیوان درنده خوبی بی مانندی مبدل شود که همه کس و همه چیز و حتی خود را به سوی رنج و بدبختی و نابودی کشاند.

یک - : بیشتر از هر چیز و هر عامل دیگر که انسان های یک جامعه را به جانب جنگ و خشونت می کشاند، نظام های دینی - مذهبی و مکتب های فکری، ایدئولوژیک اند که با تبلیغ و تلقین کفر و مسلمان یا تضاد میان فقر و ثروت، انسان ها را طوری بار می آورند که هر آن برای رفتن به بهشت و یا رسیدن به قدرت دست به هر کاری و هر عمل قهر و خشونت زنند.

دو - : تأثیر گذاری بسیار مهم وضعیت نا هنجار اجتماعی است که در آن اجتماع برای همه انسان ها یک حد اقل تأمین زندگی اقتصادی و آزادی برقراری روابط سالم بین زن و مرد یا دختر و پسر و امکانات ازدواج سهل و آسان میسر نباشد و از تفریح های سالم محروم باشد واضح است که محرومیت ها انسان ها و بخصوص جوانان را خشن، پر عقده و پر کینه می سازد. چنانکه در واقعه حمله به جان فرخنده دیده شد که چگونه جوانک های بی تربیت و حیوان صفت با کینه و عقده به تن دختر بیچاره لگد می زدند، مثل اینکه زن خود شان و یا دوست دختر شان بوده و او عشق و محبت خود را از آنها دریغ کرده و مخفیانه با دیگری رابطه غیر مشروع برقرار کرده باشد. خشونتی از این نوع کاملاً از حرکات آنها مشهود بود.

سه- : پس از دو دهه جنگ و ویرانی و ادامه عملیات تروریستی در کشور، صدها هزار روستایی بدون هیچ نوع تربیت و آمادگی زندگی شهری سیل آسا وارد شهر کابل شده اند، واضح است که در چنین وضعیتی مردم به جای احترام به حقوق هم شهری و رعایت حقوق زن به زن ستیزی و دختر آزاری می پردازند.

چهار - : مسأله اینست که درک اکثر مردم و نهادهای دولت افغانستان از آزادی و دموکراسی بیشتر منفعت پرستی شخصی، چور و چپاول و عدم شناخت از خصلت دو جهته بودن دموکراسی است، یعنی شناخت و رعایت از حق

آزادی خود و دیگران توأم با رعایت نظم و دسپلین. در غیر آن طوری که می بینیم در کشور ما به جای دموکراسی انرشیزم در حال مسلط شدن است.



### از تابوت فرخنده این صدا ها به گوشم می رسند:

من به آن مردانِ کشوری غرق در جهل می خندم  
که به غیرتی جدا از عقل و خرد به خود می بالند  
من به آن مکتب و ملا و درس بی اثر می خندم  
که به ادای دروغین تنگ و ناموس به خود می بالند  
من به آن امر و نهی در حق زن مسلمان می خندم  
که به قتل زیباترین مخلوق خدا مجریان به خود می بالند

دیدن تصاویر بالا و یادی از قتل فجیع فرخنده به همان اندازه که دردناک است به همان اندازه با شکوه و مورد افتخار است که بخشی از زنان افغان به آن آگاهی و شهادت رسیده اند که به مردم نشان دهند وجود دارند و به اجرای هر کار و عمل قادرند. بنا بر آن جای ستایش است که بعد از چنین جنایت هول ناک و خشونت بی مانند، زنان افغان به هیچ مردی اجازه نداده اند که به جنازه فرخنده دست نهند. این حرکت سمبولیک و شجاعانه نه تنها در تاریخ افغانستان بلکه در تاریخ جوامع اسلامی بی سابقه بوده و درسی است برای همه مردان و زنان جهان.

پایان